

مانند قدری بطرف چپ متمایل است. درواقع خداوند مسیح از اینکه بشریت را نجات داده است شادمان می‌باشد. دستان لاغر و گشوده‌اش بحالت دعا بطرف بالا بلند شده است و بنظر می‌رسد که قصد دارد دنیا را در آغوش بگیرد.

اصولاً در شمایلها مسیح هرگز در حالت درد و رنج احتضار دیده نمی‌شود. مسیح مرده بر صلیب دارای وقار و متانتی شاهانه است زیرا: او که خدا و انسان است قربانی خویشتن را داوطلبانه جهت انجام تمام بشریت به پیشگاه پدر تقدیم نموده است.

در بالای شمایل فرشتگان فوقانی به پرستش مشغولند و دستهایشان بعلامت احترام پوشیده است، فرشتگانی که پایینتر قرار دارند با در دست داشتن نمادهای کلیسا و کنیسه در پروازند.

در یک طرف مادر او ایستاده است و با یک دست صلیب را نشان می‌دهد و با دست دیگر سعی می‌کند هق‌هق گریه خود را پوشیده نگاه دارد. سه زن دیگر وی را نگاه داشته و تسلی می‌دهند.

در طرف دیگر یوحنا شاکرد بنظر می‌رسد که راز عظیم نجات را مورد تامل قرار داده است. در پشت آنها افسر رومی مسیح مصلوب را با احترام و بهت می‌نگرد.

تمام رنگهای بکار برده شده در شمایل بیانگر حالت آرامش و صلح می‌باشند. شمایل فراتر از درد و رنج صلیب ما را در تعمق این واقعیت فرو می‌برد که ایمان داشته باشیم که نجات دهنده آویخته بر صلیب، همیشه خداوند همه چیز و همه کس باقی می‌ماند.

شمایل صلیب

در این شمایل، تصویر مسیح مصلوب جلوه خاصی دارد زیرا بر زمینه روشن دیوارهای سفید واقع شده.



عیسی در خارج از حصار شهر اورشلیم به صلیب کشیده شد. او از افرادی که در پائین در سمت راست و چپ صلیب قرار دارند جدا می‌باشد. حتی صلیب هم که به رنگ تیره است، بدن مسیح را به گونه‌ای برجسته نشان می‌دهد. صلیب بعنوان درخت واقعی حیات در اعماق زمینی کاشته شده، جایی که طبق سنت جمجمه حضرت آدم قرار دارد، تا این درخت حیات، مرگ را از آنجا بیرون راند.

عیسی مسلط است زیرا علیرغم بی حرکت بودن جسد که توسط بسته بودن چشمها غایبان می‌گردد، بر چهره عیسی حالتی از صلح و صفا و حتی پیروزی نقش بسته است زیرا: «او با مرگ خود بر مرگ غلبه کرد.» بدن او در یک حالت رقص

فرمائی او را تمامی ایام عمرش به خداوند خواهم داد...» (اسموا: ۱۱).

و نیز «بعد از آن همسرش الیزابت حامله شد و مدت پنج ماه در انزوا بسر برد و با خود می‌گفت: این کار را خداوند برای من کرده است و با این لطف خود رسوائی مرا پیش مردم از میان برداشته است.» (لوا: ۲۴-۲۵). دختر یفتاح که محکوم شده بود تا بدون بدنیا آوردن طفلی بمیرد، دو ماه برای «بکریت» خود عزاداری نمود، چون از داشتن میوه رحم که پاداش و برکت خدا است بی‌بهره مانده بود: «به پدر خود گفت این کار به من معمول شود، دو ماه مرا مهلت ده تا رفته برکوهها گردش نمایم و برای بکریت خود با رفقایم ماتم گیرم.» (داور: ۱۱: ۳۷).

و نیز «اینک پسران میراث از جانب خداوند می‌باشند و ثمره رحم اجرتی از او است.» (مز: ۱۲۷: ۳).

و نیز «زن تو مثل مو بارآور به اطراف خانه تو خواهد بود و پسران مثل نهالهای زیتون گرداگرد سفره تو. اینک همچنین مبارک خواهد بود کسی که از خدا می‌ترسد. خداوند ترا از صهیون برکت خواهد داد و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را خواهی دید. پسران پسران خود را خواهی دید. سلامتی بر اسرائیل باد.» (مز: ۱۲۸: ۳-۶). در هر صورت باکره ماندن قبل از ازدواج امری بسیار مهم محسوب می‌شد: «آن دختر بسیار نیکو منظر و باکره بود و مردی او را نشناخته بود.» (پید: ۲۴: ۱۶).

بعنوان مثال کاهن اعظم و حتی کاهن معمولی فقط با دختر باکره می‌توانست ازدواج کند (ر.ک. داور: ۱۹: ۲۴). «و او با زن باکره‌ای نکاح کند و بیوه و مطلقه، بی‌عصمت و زانیه اینها را نگیرد فقط باکره‌ای از قوم خود را به زنی بگیرد.» (لاوا: ۲۱: ۱۳-۱۴). و نیز «زن بیوه یا مطلقه را به زنی نگیرند بلکه باکره‌ای که از دریت خاندان اسرائیل باشد یا بیوه‌ای را که بیوه کاهن باشد بگیرند» (حزق: ۴۴: ۲۲).

فصل چهارم بکارت

بکارت در بسیاری از ادیان باستانی معنایی مقدس داشت. الهه‌هایی چون آنات، آرتیمیس و آتنا باکره خوانده می‌شدند تا جوانی جاودان و نیروی سرشار حیات و نیز زوال ناپذیری آنان مورد تاکید بیشتری قرار گیرد. اما تنها در مکاشفه مسیحی است که مفهوم مذهبی بکارت بطور کامل بیان شده، همان مفهومی که در عهد قدیم بنوعی به آن اشاره شده بود یعنی وفاداری در محبتی قلبی که منحصرأ به خدا تقدیم می‌شد.

عهد قدیم

۱- نازائی و بکارت:

از دیدگاه قوم خدا که خواهان ازدیاد نسل خود بود، بکارت با نازائی که امری خفت‌بار و ننگ‌آور محسوب می‌شد برابر بود: «و آبستن شده پسری بزاد و گفت خدا ننگ مرا برداشته است.» (پید: ۳۰: ۲۳).

و نیز «نذر کرده گفت ای یهوه صباوت اگر فی‌الواقع به مصیبت کنیز خود نظر کرده مرا بیاد آوری و کنیز خود را فراموش نکرده اولاد ذکوری به کنیز خود عطا

«هنگامی که این سخنان را به قوم بیان کنی و ایشان از تو بپرسند که خداوند از چه سبب تمامی این بلایای عظیم را بضد ما گفته است و عصیان و گناهی که به یهوه خدای خود ورزیده ایم چیست؟ آنگاه تو به ایشان بگو، خداوند می گوید از این جهت که پدران شما مرا ترك کردند و خدایان غیر را پیروی نموده آنها را عبادت و سجده نمودند و مرا ترك کرده شریعت مرا نگاه نداشتند و شما از پدران خویش زیاده شرارت ورزیدید، چونکه هر يك از شما سرکشی دل شریر خود را پیروی نمودید و به من گوش نگرفتید. بنابراین من شما را از این زمین به زمینی که شما و پدران شما ندانسته اید خواهم انداخت و در آنجا شبانه روز خدایان غیر را عبادت خواهید نمود، زیرا که بر شما ترحم نخواهم کرد.» (اثر ۱۰: ۱۳-۱۴).

فرقه انسبیان از روابط جنسی خودداری می کردند اما بنظر می رسد که محرک اصلی پرهیز آنها اهمیتی بود که برای طهارت شرعی قائل می شدند.

اشخاصی دیگر، این نوع پرهیز را بخاطر مفهوم مذهبی آن برگزیدند، از جمله یهودیت بن مراری که به میل خود بیوه ماند و زندگی خود را در توبه گذراند: «یهودیت که بیوه گشته بود مدت سه سال و چهار ماه در خانه خود ماند. وی بالاخانه ای در روی پشت بام برای خویش ساخته بود. پلاس را بدور کمر خود بسته و لباس بیوه زنان به تن کرد و در تمام مدت بیوگی روزه می گرفت...» (یهودیت ۴: ۶-۸).

و نیز «بسیاری از او خواستگاری کردند ولی او در تمام روزهای زندگی خود از زمانی که منسی مرد و به پدران خود پیوست هیچ مردی را نشناخت.» (یهودیت ۱۶: ۲۲).

بنابراین یهودیت لیاقت آن را داشت که همانند دُبوره که زمانی مادر قوم خود تلقی می شد، او نیز مادر قوم خویش نامیده شود: «حاکمان در اسرائیل نایاب و نابود شدند تا ن دُبوره برخاستم در اسرائیل مادر برخاستم.» (داور ۵: ۷).

و نیز «زن زانیه یا بی عصمت را نکاح نمایند و زن مطلقه را از شوهرش را نگیرند زیرا که او برای خدای خود مقدس است.» (لاو ۲۱: ۷). اما ناگفته نماند که این سنت تنها بخاطر طهارت تشریفاتی در ارتباط با مسائل جنسی بوجود آمده بود. در واقع گویای احترام خاص به ارزش بکارت نبود.

مجموعه وعده ها و عهد، زمینه را برای پیدایش دیدگاه مسیحی در مورد بکارت آماده می سازد. خدا با بارور ساختن زنان نازا خواهان اشاره به این امر اسرار آمیز است که حاملان وعده های وی از طریق باروری معمولی بوجود نمی آیند بلکه با دخالت قدرتمندانه وی زاده می شوند. خدا نازایان را برمی گزیند تا بدین وسیله نشان دهد که انخاب وی از روی مرحمت و بخشش رایگان خود او می باشد.

۲- پرهیز داوطلبانه از روابط جنسی

با وجود چنین جریان فکری، عده معدودی داوطلبانه از روابط جنسی پرهیز می کردند. فی المثل ارمیا نبی می بایست به فرمان یهوه از ازدواج خودداری نماید: «برای خود زنی مگیر و تو را در این مکان دختران و پسران نباشد.» (اثر ۱۶: ۲).

اما این عملی صرفاً نمادین بود تا بدین وسیله تنبیه قریب الوقوع الهی که در طی آن تمام زنان و کودکان کشته می شدند، به قوم اسرائیل اعلام گردد: «زیرا خداوند درباره پسران و دخترانی که در این مکان مولود شوند و درباره مادرانی که ایشان را بزایند و پدرانی که ایشان را در این زمین تولید نمایند چنین می گوید: به بیماریهای مهلك خواهند مرد. برای ایشان ماتم نخواهند گرفت و دفن نخواهند شد بلکه بر روی زمین سرگین خواهند بود و به شمشیر و قحط تباه خواهند شد و لاشهای ایشان غذای مرغان هوا و وحوش زمین خواهد بود.» (اثر ۱۶: ۳-۴).

و نیز «ای باکره دختر بابل فرود شده بر خاک بنشین و ای دختر کلدانیان بر زمین بی‌کرسی بنشین زیرا تو را دیگر نازنین و لطیف نخواهند خواند.» (اش ۴۷: ۱).

و نیز «ای باکره دختر مصر به جلعاد برآی و بلسان بگیر، درمانهای زیاد را عبث بکار می‌بری برای تو علاج نیست.» (ار ۴۶: ۱۱).

این عنوان بخصوص برای اسرائیل جهت نشان دادن سوگ از دست رفتن تمامیت ارضی بکار می‌رود: «دختر باکره اسرائیل افتاده است و دیگر نخواهد برخاست، بر زمین خود انداخته شده و احدی نیست که او را برخیزاند.» (عا ۵: ۲).

و نیز «آن باکره دختر صهیون ترا حقیر شمرده است/نهاده نموده است و دختر اورشلیم سر خود را بتو جنبانیده است.» (اش ۳۷: ۲۲).

و نیز «پس این کلام را به ایشان بگو چشمان من شبانه روز اشک می‌ریزد و آرامی ندارد زیرا که آن دوشیزه یعنی دختر قوم من به شکستگی عظیم و صدمه بی‌نهایت سخت شکسته شده است.» (ار ۱۴: ۱۷).

و نیز «خداوند جمیع شجاعان مرا در میانم تلف ساخته است، جماعتی بر من خوانده است تا جوانان مرا منکسر سازند و خداوند آن دوشیزه یعنی دختر یهودا را در چرخشت پایمال کرده است.» (مرا ۱: ۱۵).

و نیز «برای تو چه شهادت توانم آورد و تو را به چه چیز تشبیه توانم نمود ای دختر اورشلیم و چه چیز را بتو مقابله نموده تو را ای دوشیزه دختر صهیون تسلی دهم، زیرا که شکستگی تو مثل دریا عظیم است و کیست که تو را شفا تواند داد.» (مرا ۲: ۱۳).

همچنین هنگامی که اسرائیل عهد را می‌شکند، ارمیا برای یادآوری اینکه این قوم چگونه باید وفاداریش را حفظ نماید آن را «دوشیزه اسرائیل»

و نیز «سخنان آنها درباره این بود که کشور مرا به آتش کشند، نوجوانان مرا از دم تیغ بگذرانند، نوزادان مرا به زمین بزنند و اطفال مرا به یغما ببرند و دختران جوان مرا برابند.» (یهودیت ۱۶: ۴).

و نیز «وای بر حال ملت‌هایی که بر علیه قوم من قیام کنند. خداوند قادر مطلق در روز داوری آنها را به کیفر خواهد رساند. او آتش و کرم را به جان آنها خواهد فرستاد و آنها از فرط درد تا ابد/الابد زاری خواهند نمود.» (یهودیت ۱۶: ۱۷).

طرز زندگی یهودیت زمینه را برای احترامی که در عهد جدید برای بیوه‌گی و بکارت گذاشته می‌شود آماده ساخت، مثلاً حنا طبق گفتار انجیل لوقا، از ازدواج مجدد سر باز زد تا به خدا نزدیک‌تر باشد: «و بعد از آن هشتاد و چهار سال بیوه مانده بود. او هرگز از معبد خارج نمی‌شد بلکه شب و روز با نماز و روزه، خدا را عبادت می‌کرد.» (لوقا ۳۷: ۲).

و نیز یحیی تعمید دهنده با زندگی زاهدانه، خود را برای آمدن مسیح آماده می‌ساخت و با جرأت تمام خود را «دوست داماد» می‌خواند: «عروس به داماد نعلق دارد. دوست داماد، که در کناری ایستاده و صدای دانا را می‌شنود، لذت می‌برد. شادی من هم همین‌طور کامل شده است.» (یو ۳: ۲۹).

۳- «ازدواج» خدا با قوم خود

بدین ترتیب یحیی که ندا کننده وارث سنت نبوی مربوط به بین خدا و امت می‌باشد، سنتی که در واقع زمینه ساز دیدگاه مسیحی درمورد بکارت بود. انبیا چندین بار عنوان باکره را به ملتی تسخیر شده داده‌اند: «ای دوشیزه صیدون که مورد تجاوز قرار گرفته‌ای، دیگر مفتخر نخواهی شد. برخاسته به کستیم بگذر اما در آنجا نیز راحت برای تو نخواهد بود.» (اش ۲۳: ۱۲)

۱- کلیسای باکره، عروس مسیح

در عهد جدید نیز مانند عهد قدیم، هر چند ظاهراً موضوع بکارت با عروسی در تضاد است، اما هر دو مکمل یکدیگر می‌باشند زیرا اتحاد مسیح و کلیسا در بکارت میسر گشته است، اتحادی که در واقع سمبل ازدواج می‌باشد: «مسیح... کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد.» (افس: ۵: ۲۵). پولس رسول می‌گوید که کلیسای قرن‌تس به عقد مسیح درآمده و می‌خواهد آن را مانند باکره‌ای غفیف و پاکدامن به مسیح تقدیم نماید: «علاقه من نسبت به شما، علاقه‌ای است الهی، زیرا من شما را بعنوان یک باکره پاکدامن به عقد مسیح درآورده و به او تقدیم نمودم.» (۲: ۱۱ قرن ۲).

و نیز «کلیسا را با تمام زیبائیش پاک و بدون عیب و لکه و چین و چروک یا هر نقص دیگری به خودش تقدیم نماید.» (افس: ۵: ۲۷).

چون پولس رسول همان غیرت خداوند را برای کلیسا حس می‌کند (۲: ۱۱ قرن ۲) نمی‌خواهد که هیچ لکه‌ای ایمان کلیسا را آلوده سازد.

۲- بکارت مریم

بکارت کلیسا در نقطه تلاقی عهد قدیم و عهد جدید یعنی در مریم دختر صهیون، شروع به تحقق می‌نماید. در عهد جدید مادر عیسی تنها زنی است که نام باکره به عنوان لقب بر وی نهاده شده است: «به نزد دختری که در عقد مردی به نام یوسف -از خاندان داود- بود فرستاده شد. نام این دختر مریم بود.» (لوا: ۲۷).

و نیز «باکره‌ای آبستن شده پسری خواهد زائید که نام عمانوئیل -یعنی خدا با ما- خوانده خواهد شد.» (مت: ۱: ۲۳).

مریم بخاطر میل به حفظ بکارت خویش، سرنوشت زنانی را که بدون فرزند باقی

می‌نامد: «بنابرین خداوند چنین می‌گوید در میان امتها سؤال کنید کیست که مثل این چیزها را شنیده باشد؟ دوشیزه اسرائیل کار بسیار زشت کرده است.» (ا: ۱۸: ۱۳).

و همچنین هنگامی که یهوه و قومش روابط محبت آمیز و سرشار از وفاداری را تجدید می‌کنند، همین لقب در مضمون احیا قوم اسرائیل دوباره ظاهر می‌شود:

«ای باکره اسرائیل ترا بار دیگر بنا خواهم کرد و تو بنا خواهی شد و بار دیگر با دفعهای خود خویشتن را خواهی آراست و در رقصهای مطربان بیرون خواهی آمد... ای دختر مرتد تا بکی به این طرف و آن طرف گردش خواهی نمود زیرا خداوند امر تازه‌ای در جهان ابداع نموده است که زن مرد را احاطه خواهد کرد.» (ا: ۳۱: ۴ و ۲۱). برای اشعیا نبی ازدواج یک مرد جوان و یک باکره نمادی از نکاح مسیحائی یهوه و امت اسرائیل می‌باشد: «زیرا چنانکه مردی جوان دوشیزه‌ای را به نکاح خویش در می‌آورد همچنان معمارت تو را منکوحه خود خواهد ساخت و چنانکه داماد از عروس مبتهج می‌گردد همچنان خدایت از تو مسرور خواهد بود.» (اش: ۶۲: ۵).

خدا با ادعای مالکیت مطلق بر قوم خویش، مؤمنینش را آماده می‌ساخت تا آنها محبت خود را تمام و کمال به او معطوف دارند.

عهد جدید

از زمان مسیح کلیسا، «دوشیزه اسرائیل» نامیده می‌شود. ایماندارانی که می‌خواهند در بکارت باقی بمانند، در بکارت کلیسا سهیم می‌شوند. بکارت اصولاً واقعی است اخروی و تنها با تحقق یافتن نکاح مسیحائی معنای کامل خود را می‌یابد.

می توانند معنای آن را درک کنند که به آنها عطا شده باشد: «عیسی به آنها گفت: همه نمی توانند این سخن را قبول کنند، مگر کسانی که استعداد آن را داشته باشند.» (مت ۱۹: ۱۱).

برای پولس رسول بکر ماندن برتر از ازدواج است، زیرا تسلیم کامل را در برابر خدا امکانپذیر می سازد: «اما خواهش این دارم که شما بی اندیشه باشید، شخص مجرد در امور خداوند می اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید و صاحب زن در امور دنیا می اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد. در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است زیرا باکره در امور خداوند می اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدس باشد اما منکوحه در امور دنیا می اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد. اما این را برای نفع شما می گویم نه آنکه دامی بر شما نهم بلکه نظر شایستگی و ملازمت خداوند بی تشویش.» (۱ قرن ۷: ۳۲-۳۵).

قلب مرد متاهل اصولاً تحت تاثیر گرایشهای متضاد است، در حالی که کسانی که بخاطر خدا مجرد مانده اند، می توانند قلبهای متعددی داشته باشند تا آنکه خود را کاملاً وقف مسیح کرده و اندیشه خود را به امور الهی معطوف دارند و تسلیم پراکندگی فکر و امور مختلف دنیوی نشوند.

این گفته مسیح که عبادت است از «بخاطر پادشاهی آسمانی» (مت ۱۹: ۱۲) به بکارت ابعادی حقیقی یعنی «ابعاد اخروی» می بخشد. پولس رسول باتوجه به «سختیهای زمان حاضر» و اینکه وقت زیادی باقی نمانده است، بکر ماندن را مناسب می داند: «با توجه به اوضاع وخیم فعلی، بهتر است هر کس همانگونه که هست بماند. ای برادران، مقصودم این است: وقت زیادی باقی نمانده است و از این پس حتی آنانی که زن دارند باید طوری زندگی کنند که گویا مجرد هستند.» (۱ قرن ۷: ۲۶ و ۲۹).

اصولاً زندگی زناشویی به زمان حال بستگی دارد، اما نظام دنیا گذرا است:

می مانند تقبل نمود: «مریم به فرشته گفت: این چگونه است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته ام.» (لوا: ۳۴).

بنابراین، آنچه زمانی حقارت محسوب می شد، برای مریم موجب خوشبختی و برکت گردید: «چون او به کنیز ناچیز خود نظر لطف داشته است، از این پس همه نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند.» (لوا: ۴۸).

قبل از مژده فرشته، مریم می خواست کاملاً به خدا تعلق داشته باشد اما با تن دادن به ازدواج، آن را بعنوان يك نشانه اسرار آمیز اراده خدا پذیرفته بود، لیکن با پاسخ مثبت خود به فرشته، بطور کامل و بی کم و کاست وقف پسر خدا گردید: «مریم گفت: من کنیز خداوند هستم، همانطور که توگفتی بشود...» (لوا: ۳۸).

مفهوم بکارت آنگونه که در زمان طولانی عهد قدیم آماده گشته بود، در بکارت زنی که مادر خدا شد تحقق یافت. بهمین منوال نیز خدا به آرزوی بارداری و دعای زنان نازا پاسخ می دهد. در مریم مفهوم اخروی بکارت برای مسیحیان روشن می شود و حضور شخص وی در تاریخ، گویای ظهور دنیای جدیدی می باشد.

۳- بکارت مسیحیان

معنای واقعی و ماورالطبیعی بکر ماندن اشخاصی چون یحیی تعمید دهنده و مریم تنها بوسیله عیسی که خود نیز بکارت را حفظ نمود آشکار گردید. بکارت يك فرمان نیست: «در خصوص افراد مجرد از طرف خداوند دستوری ندارم، ولی بعنوان کسی که به لطف خداوند قابل اعتماد است عقیده خود را اظهار می دارم.» (۱ قرن ۷: ۲۵).

بکارت دعوتی شخصی از جانب خدا و بنابراین يك عطیه الهی است: تنها ملکوت آسمانی است که بکارت مسیحیان را توجیه می کند و تنها کسانی

داماد می‌آید به پیشسواز او بیایید. وقتی دختران این را شنیدند همه برخاسته چراغهایشان را حاضر کردند. دختران نادان به دختران دانا گفتند: چراغهای ما در حال خاموش شدن است، مقداری از روغن خودتان را به ما بدهید. آنها گفتند: خیر، برای همه ما کافی نیست، بهتر است شما پیش فروشنده‌گان بروید و مقداری روغن برای خودتان بخرید. وقتی آنها رفتند روغن بخزند، داماد وارد شد. کسانی که آماده بودند با او به مجلس عروسی وارد شدند و در بسته شد. بعد آن پنج دختر دیگر برگشتند، فریاد زدند: ای آقا، ای آقا در را به روی ما باز کن. اما او جواب داد: به شما می‌گویم که اصلاً شما را نمی‌شناسم. پس بیدار باشید زیرا شما از روز و ساعت این واقعه خبر ندارید. «(مت ۲۵: ۱-۱۳).

در اورشلیم آسمانی تمام برگزیدگان بکر خوانده می‌شوند، زیرا خود را تسلیم فحشای بت پرستی ننمودند: «اینان مردمانی هستند که خود را با زنان نیالوده‌اند و از روابط زناتسویی امتناع کرده‌اند و هر جا که بره می‌رود به دنبال او می‌روند.» (مکا ۱۴: ۴). لیکن بیش از هر چیز به این دلیل باکره محسوب می‌شوند که دیگر کاملاً وقف مسیح شده‌اند و در اطاعت کامل از بره متابعت نموده و هر جا برود دنبالش می‌روند: «وقتی گوسفندان خود را بیرون می‌برد خودش در جلوی آنها حرکت می‌کند و گوسفندان به دنبالش می‌روند زیرا صدای او را می‌شناسند.» (یو ۱۰: ۴).

و نیز «گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و آنها به دنبال من می‌آیند.» (یو ۱۰: ۲۷). آنان از این پس به شهر آسمانی، یعنی به عروس بره تعلق دارند: «شادی و وجد کنیم و جلال او را بسرانیم، زیرا زمان جشن عروسی بره رسیده است، عروس او خود را آماده ساخته است... و فرشته به من گفت: این را بنویس خوشا بحال کسانی که به ضیافت عروسی بره خوانده می‌شوند او همچنین به من گفت: اینها کلام حقیقی خدا است.» (مکا ۱۹: ۷ و ۹).

و نیز «آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پر از هفت بلای آخر را به

«کسانی که به کارهای دنیوی اشتغال دارند طوری زندگی کنند که دلبسته این جهان نشوند، زیرا حالت کنونی جهان بزودی از بین خواهد رفت.» (۱ قرن ۷: ۳۱).

بکر ماندگان وابسته به زمان نیستند، و به مثابه ده باکره جوان در انتظار داماد و ملکوت آسمانی بسر می‌برند: «در آن روز پادشاهی آسمانی مثل ده دختر جوان خواهد بود که چراغهای خود را برداشته به استقبال داماد رفتند. در نیمه شب فریاد کسی شنیده شد که می‌گفت: داماد می‌آید، به پیشسواز او بیایید.» (مت ۲۵: ۱ و ۶).

زندگی بکر ماندگان نه تنها نشانه گویایی از بکارت کلیسا می‌باشد، بلکه زندگی آنان شهادت می‌دهد که مسیحیان به این دنیا تعلق ندارند و در نهایت نشانه کشش دائمی کلیسا بسوی آخرت می‌باشد. حضور بکر ماندگان نیز از هم اکنون گویای رستاخیز کسانی است که در طی داوری لایق شناخته شده‌اند تا همانند فرشتگان و فرزندان خدا در دنیای آینده سهیم شوند: «عیسی به ایشان فرمود: زنان و مردان این جهان ازدواج می‌کنند. اما کسانی که شایسته رسیدن به جهان آینده و رستاخیز از مردگان بشوند، زن نمی‌گیرند و شوهر نمی‌کنند، زیرا آنها مانند فرشتگان هستند. دیگر مرگ برای آنان محال است و چون در رستاخیز شرکت دارند فرزندان خدا هستند.» (لو ۲۰: ۳۴-۳۶).

بنابراین بکارت گویاترین سمبل چهره واقعی کلیسا است. مسیحیان مانند ده باکره دانا به استقبال مسیح، داماد خود می‌روند تا با او در جشن عروسی شرکت نمایند: «در آن روز پادشاهی آسمانی مثل ده دختر جوان خواهد بود که چراغهای خود را برداشته به استقبال داماد رفتند. پنج نفر از آنان دانا و پنج نفر نادان بودند. دختران نادانان چراغهای خود را با خود برداشتند ولی با خود هیچ روغن نبردند. اما دختران دانا چراغهای خود را با ظرفهای پر از روغن بردند. چون داماد در آمدن ناخیر کرد همگی خوابشان برد. در نیمه شب فریاد کسی شنیده شد که می‌گفت:

دست داشتند آمد و به من گفت بیا من عروس یعنی زوجه بره را بتو نشان خواهم داد.» (مکا ۲۱: ۹).

† † †

فصل پنجم

امور جنسی

مطالب ذیل حاوی اطلاعات مختلفی است که کتاب مقدس درباره امور جنسی بدست می‌دهد. کلمه «جنسیت» در کتاب مقدس دیده نمی‌شود اما در بسیاری از موارد به جهت روشن نمودن مناسبات بین زن و مرد مطالبی در مورد تفاوت‌هایی که بین آن دو جنس وجود دارد ذکر شده است. در عین محترم شمردن نقشی که کتب عهد قدیم و عهد جدید در شناساندن امور جنسی داشته‌اند بنظر بهتر می‌آید که ترتیب زمانی مطالب آن کتب مراعات نشود چه مفهوم حقیقی بسیاری از این مطالب فقط با ظهور عیسی مسیح آشکار می‌گردد.

الف- امور جنسی و موقعیت انسان

در حالی که سفر پیدایش می‌گوید: «خدا... ایشان را نر و ماده آفرید» (پیدا: ۲۷)، پولس رسول چنین می‌گوید: «پس دیگر هیچ تفاوتی... میان مرد و زن وجود ندارد، زیرا همه شما در اتحاد با مسیح عیسی یک هستید.» (ر.ک.غلا: ۳: ۲۸). با وجود آنکه بین این دو گفته تضادی دیده می‌شود، اما در واقع یکدیگر را نفی نمی‌کنند بلکه متقابلاً به یکدیگر معنا بخشیده و بهم بستگی دارند.

۱- «ایشان را نر و ماده آفرید» (پیدا: ۲۷) - در کتب عهد قدیم تفاوت بین

مختل می‌شود و به این ترتیب چنین تمایلی بجای آنکه متوجه طرف مقابل شود بجانب خویشتن برمی‌گردد.

نیکوئی و ارزش روابط جنسی در زناشوئی هرگز در کتاب مقدس مورد شک و تردید نبوده است. در غزل غزلها همانند بسیاری دیگر از کتب کتاب مقدس، دو جنبه در ارتباط با ازدواج مورد توجه می‌باشد که یکی جنبه مغایرت جنس زن و مرد و دیگری باروری است: «اینک تو زیبا هستی، ای محبوبه من اینک تو زیبا هستی و چشمانت از پشت برقع تو مثل چشمان کبوتر است و موپهایت مثل گله بزها است که از کوه جلعاد به پائین جست و خیز می‌کنند.» (غزل: ۴).

و نیز «ای زیباترین زنان محبوب تو از سایر محبوبان چه برتری دارد و محبوب تو را بر سایر محبوبان چه فضیلت که به ما این چنین التماس می‌کنی؟» (غزل: ۵).

و نیز «ای محبوبه من تو مثل ترصه جمیل و مانند اورشلیم زیبا هستی.» (غزل: ۶). نه تنها در غزل غزلها، بلکه در بسیاری از کتابهای دیگر عهد قدیم نیز همین دو موضوع باروری و مغایرت اجناس مورد توجه می‌باشد: «چشمه تو مبارک باشد و از زن جوانی خویش مسرور باش.» (امث: ۵: ۱۸). و نیز ر.ک حلق: ۱۵: ۲۴.

و نیز «زیبائی زن نیکو در خانه‌ای که خوب اداره می‌شود همانند خورشید بهنگام طلوع از کوههای خداوند است. چهره‌ای زیبا که بر روی بدنی متناسب جای گرفته باشد همانند چراغی است که بر چراغپایه‌ای مقدس می‌درخشد و پایهای موزون بر روی پاشنه‌های قوی همانند ستونهای طلائی بر پایه‌ای از نقره می‌باشد.» (بنسی: ۲۶: ۱۶-۱۸).

و نیز «جميع روزهای عمر باطل خود را که او (خدا) تو را در زیر آفتاب بدهد

جنس زن و مرد در اولین وهله با چنین گفته‌ای از کتاب پیدایش ارتباط داشت: «خدا آدم را بصورت خود آفرید» (پیدا: ۲۷). روایت کهنانی آفرینش تنها موکد این نکته می‌باشد که اختلاف جنسیت زن و مرد با باروری خدایی که حیات بخش است و جهان را تحت نظارت خود دارد مرتبط است: «خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمائید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند حکومت کنید.» (پیدا: ۲۸).

اما نقطه نظر سنت یهوئست کاملتر از این است چون از این دیدگاه، تفاوت بین جنس زن و مرد ضرورتی است برای انسان تا بتواند در اجتماع زندگی کند: «خداوند گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش یآوری بسازم که با او هماهنگ باشد.» (پیدا: ۱۸). مؤلف این متن موضوع باروری را نادیده نمی‌گیرد چون: «آدم زن خود را حوا نام نهاد زیرا که او مادر جمیع زندگان است.» (پیدا: ۳: ۲۰). اما در عین حال ارتباطی که مابین این دو جنس مغایر وجود دارد را نیز به موضوع باروری اضافه می‌کند. انسان توسط این دو انگیزه در محیط اجتماعی جای می‌گیرد. کمال مطلوب این محیط بهشت است و ملاقات این دو موجود در آن، با کمال سادگی انجام می‌گیرد: «آدم و زن هر دو برهنه بودند و خلعت نداشتند» (پیدا: ۲: ۲۵). اما گناه که مسبب جدائی انسان از خدا است، حس دوری و ترس را نیز به این محیط وارد می‌کند. از این بعد روابط جنسی بصورتی مبهم درمی‌آید که گرچه در اساس خوب باقی می‌ماند، تحت تسلط نیروی تفرقه‌انداز گناه قرار می‌گیرد. هر يك از زوجین بجای احساس شادی از تفاوت تغییر ناپذیری که در دیگری وجود دارد، خود خواهانه مایل است که زوج خود را به مالکیت خویش درآورد: «و به زن گفت الم و حمل تو را افزون گردانم و با الم فرزندان خواهی زائید و اشتیاقی تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد.» (پیدا: ۳: ۱۶). تمایل جنسی که طبیعتاً برونگرا است توسط تحرکی درونگرا

مدتی از یکدیگر دوری کنید تا وقت خود را صرف راز و نیاز با خدا نمائید. اما پس از آن روابط شما در امور زناشویی بصورت عادی برگردد، مبادا ضعف شما در این مورد باعث شود تسلیم وسوسه‌های شیطان شوید. این يك قانون نیست، این امتیازی است که به شما می‌دهم.» (۱ قرن ۷: ۱-۶).

در مخالفت با تمایلات کاذبی که قرن‌تیان در مورد تقوی و پاکدامنی از خود نشان می‌دادند پولس رسول مسیر طبیعی ازدواج و وظایف روابط جنسی را به آنها یادآوری می‌کند: «یکدیگر را از حقوق زناشویی محروم نسازید مگر با رضایت طرفین برای مدتی از یکدیگر دوری کنید تا وقت خود را صرف راز و نیاز با خدا نمائید. اما پس از آن روابط شما در امور زناشویی بصورت عادی برگردد» (۱ قرن ۷: ۵). و نیز «پس عقیده من این است که (بیوه) زنان جوان ازدواج کنند و صاحب اولاد شوند و خانه‌داری نمایند و تا به دشمنان ما فرصت بدگویی ندهند.» (۱ تیمو ۵: ۱۴). بنابراین موقعیتی که از آفرینش بوجود آمد، بدین نحو محفوظ مانده و ارزش آن حتی افزون شده است. به این ترتیب دعا بر اتحاد زن و شوهر به شکل والائی حاکم می‌گردد.

۲- «پس دیگر هیچ تفاوتی... میان مرد و زن وجود ندارد، زیرا همه شما در اتحاد با مسیح عیسی يك هستید» (ر.ک غلا ۳: ۲۸). این گفته هیچیک از دیدگاههای قبلی را انکار نمی‌کند، اما آمدن عیسی، موقعیت خاص روابط بین زن و مرد را دگرگون نموده و بعد راستینی به روابط زناشویی بخشیده است.

عیسی در این مورد هیچ نظریه و اصولی تدوین نکرد بلکه برای زندگی خود روش مخصوصی برگزید و از دیگران دعوت نمود تا راه وی را اختیار کنند. در واقع عیسی مثل علمای دین یهود که می‌باید ازدواج می‌کردند زندگی نکرد. به احتمال قوی تجرد در بین اسنی‌های کمران باعث آن شده بود که تجرد عیسی در نظر مردم احیاناً امری حیرت انگیز و یا ننگ‌آور محسوب نشود. اما تجرد عیسی ریاضتی

با زنی که دوست می‌داری در جمیع روزهای بطالت خود خوش بگذران زیرا که از حیات خود و از رحمتی که زیر آفتاب می‌کشی نصیب تو همین است.» (جامعه ۹: ۹).

وجود یگانه‌ای که خدا از اتحاد زن و مرد بوجود می‌آورد چه هدفی را دنبال می‌کند؟ ذریتی را که از جانب خدا عطا شده است: «اما شما می‌گوئید سبب این چیست؟ سبب این است که خداوند در میان تو و زوجه جوانیت شاهد بوده است و تو به وی خیانت ورزیده‌ای با آنکه او یار تو و زوجه هم عهد تو می‌بود و آیا او ایشان را یکی نیافرید که هم جسم و هم روح دارد. هدف این اتحاد چیست؟ هدف آن بوجود آوردن فرزند است که بخشش الهی است. پس از روح‌های خود باحذر باشید و زنهار احدی به زوجه جوانی خود خیانت نورزد زیرا بپوهه خدای اسرائیل می‌گوید که از طلاق نفرت دارم و از اینکه کسی ظلم را به لباس خود بپوشاند. قول بپوهه صباپوت این است پس از روح‌های خود با حذر بوده زنهار خیانت مورزید» (ملا ۲: ۱۴-۱۶).

بازتاب کلمات کتاب پیدایش در سخنان عیسی که بر جدائی ناپذیری زوجی که به این ترتیب بوجود آمده‌اند پافشاری می‌کند کاملاً محسوس است. او چنین می‌گوید: «... از این رو آنها دیگر دو تن نیستند بلکه یکی هستند» (ر.ک مت ۱۹: ۴-۶). پولس رسول هم که گاهی اشتهاً به عنوان طرفدار زهد و ریاضت و مخالف زندگی زناشویی بحساب می‌آید، رهنمودهائی به زنان و شوهران ارائه کرد که تا کنون ارزش خود را از دست نداده است: «...بهبتر است که مرد، مجرد بماند، ولی چون اطراف ما پر از وسوسه‌های جنسی است بهتر است هر مرد برای خود زنی و هر زنی نیز برای خود شوهری داشته باشد. زن و شوهر باید وظایف زناشویی خود را نسبت به یکدیگر انجام دهند. زن اختیار بدن خود را ندارد زیرا او متعلق به شوهر خویش است و همچنین مرد اختیار بدن خود را ندارد زیرا به زن خود تعلق دارد. یکدیگر را از حقوق زناشویی محروم نسازید مگر با رضایت طرفین برای

قدیم را مورد نظر قرار داده بگوئیم که مرد و زن هر يك بلوغ واقعی زندگی را فقط در اتحاد جنسی با جنس مخالف خود خواهند یافت. باید گفت که در آن جامعه واحد بشری که در شخص عیسی مسیح خلاصه می شود، دستیابی به اتحاد کامل با يك «تو» از طریق چشم پوشی از هر نوع عمل جنسی نیز امکان پذیر است.

ب- امور جنسی و تقدس

۱- از دیدگاه مذهب اقوامی که در اطراف سرزمین اسرائیل می زیستند، امور جنسی در دنیای خدایان نیز جای داشت. در این مذاهب با وفور خدایان از قبیل خدایان مادر و خدایان پدر و خدایان عشق که با یکدیگر و با انسانها ازدواج می کردند و نیز با فاحشه های مقدس که نماینده خدایان بودند روبرو می شویم. قوم اسرائیل خدایانی چون بعلها و آستارتها (ایشتر) و نیز ستونهای (اشریم) را که در زمین فرو برده می شدند و نمادی از اتحاد بین زمین و آسمان بودند، بخوبی می شناختند. آنها حتی با این خدایان دروغین تا حدی سازش کرده بودند که قالب ریزی «گوساله طلایی» بعنوان مظهر قوه مردی از این جمله می باشد: «پس تمامی قوم گوشواره های زرین را که در گوشهای ایشان بود بیرون کرده نزد هارون آوردند و آنها را از دست ایشان گرفته آن را با قلم نقش کرد و از آن گوساله ریخته شده ساخت و ایشان گفتند ای اسرائیل این خدایان تو می باشند که تو را از مصر بیرون آوردند.» (خروج ۳۲: ۳-۴). اما در هر حال تلاش علیه مذاهب بیگانه با وجود بقایای فحشا مذهبی که هنوز علیرغم ممنوعیت کتاب تثنیه ادامه داشت به پیروزی یهویسم (یگانه پرستی) منتهی شد: «لواط گذار معبد نیز در زمین بودند و موافق رجاسات/متهائی که خداوند از حضور بنی اسرائیل اخراج نموده بود عمل می نمودند.» (۱ پاد ۱۴: ۲۴).

و نیز «لواط گذاران معبد را از ولایت بیرون کرد و بتنهائی را که پدرانش ساخته بودند دور نمود.» (۱ پاد ۱۵: ۱۲). و نیز: «بقیه لواط گذارانی که از ایام پدرش

ضد زن نبود و دلیل این امر را می توان از گفته زیر که حقیقتی را نهفته در خود دارد درك نمود: «...عده ای نیز بخاطر پادشاهی آسمانی از ازدواج خود داری می کنند» (رک مت ۱۹: ۱۲). این کلمات دعوتی است برای «کسی که بتواند آن را درك کند».

در انجیل لوقا هم دعوتی به همین صراحت دیده می شود، یعنی برای اینکه انسان شاگرد عیسی شود باید از زن خود نیز چشم پپوشد: «اگر کسی پیش من بیاید و از پدر و مادر، زن و فرزند، برادران و خواهران و حتی جان خود دست نشوید، نمی تواند شاگرد من باشد.» (لوقا ۱۴: ۲۶). این نوع زندگی را تنها بر حسب شرایط جدیدی می توان درك نمود که با آمدن مسیح فراهم شد. این موقعیت جدید همان آمدن ملکوت خداست که انسان به «پیروی از عیسی» بدان داخل می شود. ورود به این نظام جدید می تواند دعوتی باشد برای رفتن به فراسوی فرمان آفرینش، دعوتی که به تجرد داوطلبانه مفهوم جدیدی می بخشد.

پولس رسول که احتمالاً خود متاهل بوده است به پیروی از عیسی، از بکارت و تجرد جانبداری می کند. برای این روش جدید زندگی دو دلیل وجود دارد: دلیل اول عطیه ای بصورت يك دعوت ویژه همانند دعوتی است که خود پولس دریافت نمود: «کاش همه شما در این مورد مانند من باشید، اما خداوند به هر کس استعداد خاصی داده است، به یکی، يك جور و به دیگری به نحوی دیگر.» (۱ قرن ۷: ۷).

دلیل دیگر وجود وضعیتی است که در «آخر زمان» یعنی در عصری که عیسی آن را آغاز کرده است برقرار گشته. از آنجا که بشر در «آخر زمان» بسر می برد، با دو راه متمایز روبرو شده است، یعنی فرق مابین مجرد و متاهل جایگزین تضاد بین زن و مرد شده است. بنا نمودن کمال ملکوت آسمان مستلزم وجود این دو گروه مردان و زنان می باشد، زیرا از آنجائی که مکمل یکدیگر هستند می توانند گویای آن ملکوت باشند. بنابراین اشتباه محض خواهد بود اگر تنها گفته های کتب عهد

جنبه دیگری از «مقدس دانستن امور جنسی» شامل آئین‌های مربوط به پاکی و ناپاکی می‌شد که قوم اسرائیل از آئین‌های باستانی مشرق زمین به ارث برده بود. هر زنی پس از بدنیا آوردن فرزند ناپاک اعلام می‌شد و نمی‌توانست به مکان مقدس معبد نزدیک شود: «و چون ایام طهارتش برای پسر یا دختر تمام شود بره یک ساله برای قربانی سوختنی و جوجه کبوتر یا فاخته برای قربانی گناه به در خیمه اجتماع نزد کاهن بیاورد.» (لاو ۱۲: ۶). بهمین ترتیب زن در مدت عادت ماهیانه خود ناپاک محسوب می‌شد: «اگر زنی جریان دارد و جریانی که در بدنش است خون باشد هفت روز در حیض خود بماند و هر که او را لمس نماید تا شام نجس باشد و بر هر چیزی که در حیض خود بخوابد نجس باشد و بر هر چیزی که بنشینند نجس باشد و هر که بستر او را لمس کند، رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد. و هر که چیزی را که او بر آن نشسته بود لمس نماید رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد. و اگر مردی با او هم بستر شود و حیض او بر وی باشد تا هفت روز نجس خواهد بود و هر بستری که بر آن بخوابد نجس خواهد بود. و زنی که روزهای بسیار غیر از زمان حیض خود جریان خون دارد یا زیاده از زمان حیض خود جریان دارد تمامی روزهای جریان نجاستش مثل روزهای حیضش خواهد بود او نجس است و هر بستری که در جریان روزهای جریان خود بر آن بخوابد مثل بستر حیضش برای وی خواهد بود و هر چیزی که بر آن بنشینند مثل نجاست حیضش نجس خواهد بود. و هر که این چیزها را لمس نماید نجس می‌باشد پس رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و برای خود بشمارد و بعد از آن طاهر خواهد بود و در روز هشتم دو فاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد و آنها را نزد کاهن به در خیمه اجتماع بیاورد و کاهن یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی بگذراند و کاهن برای وی نجاست جریانش را به حضور خداوند کفارہ کند.» (لاو ۱۵: ۱۹-۳۰).

آسا باقی مانده بودند را از سرزمین خود محو ساخت.» (۱ پادشاه ۲۲: ۴۶). و نیز «و خانه‌های لواط را که در خانه خداوند بود که زنان در آنجا خیمه‌ها به جهت اشیره می‌بافتند خراب کرد.» (۲ پادشاه ۲۳: ۷).

«احدی مجادله ننماید و احدی توبیخ نکند زیرا که قوم تو مثل مجادله کنندگان با کاهنان می‌باشد.» (هوا ۴: ۴). و نیز «همه بتهای تراشیده شده آن خرد و مزدهایش به آتش سوخته خواهد شد و همه تماثیلش را خراب خواهیم کرد زیرا که از مزد فاحشه آنها را جمع کرد به مزد فاحشه خواهد برگشت.» (میک ۱: ۷).

حتی پس از تزکیه گشتن از رسوم بت پرستی، قوم اسراذیل هنوز معتقد به وجود رابطه‌ای بین امور جنسی و مقدسات بودند. اما مسبب این دیدگاه تغییر کرد: برای آنها دیگر تقلید از امور جنسی خدایان مطرح نبود، بلکه خواستار بجا آوردن نقشی بودند که از کلام خدا الهام گرفته شده بود، یعنی سهم شدن در قدرت خلاق خدا. حوا پس از بدنیا آوردن فرزند چنین گفت: «... با یاری یهوه دارای فرزندی شدم» (پید ۴: ۱). یکی از اولین نتایج نوع جدید «مقدس دانستن امور جنسی» استفاده از نمادهای جنسی (بین پدر و مادر یا زن و شوهر) جهت بیان روابط بین قوم اسرائیل و خدای آنان بود. رسم ختنه را که به منزله بستن عهد با خدا بود می‌توان به امری که در بالا ذکر شد مربوط دانست: «پس خدا به ابراهیم گفت و اما تو عهد مرا نگاه دار و بعد از تو ذریت تو در نسلهای ایشان، این است عهد من که نگاه خواهید داشت، در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از شما مختون شود. هر ذکوری در نسلهای شما خواه خانه‌زاد، خواه زر خرید از اولاد هر اجنبی که از ذریت تو نباشد هر خانه زاد تو و هر زر خرید تو البته مختون شود تا عهد من در گوشت شما عهد جاودانی باشد و اما هر ذکور نامختون که گوشت غلفه او ختنه نشود آنکس از قوم خود منقطع شود، زیرا که عهد مرا شکسته است.» (پید ۱۷: ۹-۱۴). و نیز «در روز هشتم گوشت غلفه او مختون شود.» (لاو ۱۲: ۶).

و نیز «اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود.» (تث ۲۳: ۱۰). روابط جنسی، اشخاص را جهت شرکت در آئین عبادت ناشایست می‌ساخت: «هر زنی که مرد با او بخوابد و انزال کند به آب غسل کنند و تا شام نجس باشند.» (لاو ۱۵: ۱۸) و نیز «به قوم گفت در روز سیم حاضر باشند و به زنان نزدیکی منمائید.» (خروج ۱۹: ۱۵).

این امر در مورد کاهنان اهمیت خاصی داشت: «بر مذبح من از پله‌ها بالا مرو مبادا عورت تو بر آن مکشوف شود.» (خروج ۲۰: ۲۶).

و نیز «و زیر جامه‌های کتان برای ستر عورت ایشان بساز که از کمر تا ران برسد.» (خروج ۲۸: ۴۲).

این دستورات در نتیجه حقیر شمردن امور جنسی بوجود نیامد، بلکه بعلت مقدس داشتن آن یا به کلام دیگر به دلیل ابهام تقدیس در این زمینه یا مبهم بودن امر پاکیزگی در مراسم مذهبی حاصل شده است. سرانجام آیا بین عملی که نشانگر شرکت جسمی انسان در قدرت خلاق خدا می‌باشد و عمل عبادی که گویای ارتباط با خدا است تضادی وجود ندارد؟

۲- با ظهور مسیحیت کلیه این ممنوعیت‌ها (تابو) از میان رفت، به عبارت دیگر برداشت جدیدی نسبت به تقدس جانشین دیدگاه کهنی شد که امور جنسی را مقدس می‌دانست. این امر روشن کننده بعضی از گفته‌های پولس رسول می‌باشد: «شوهر بی ایمان بوسیله زن ایماندار با خدا تماس دارد و زن بی ایمان نیز بوسیله شوهر ایماندار خود چنین تماسی با خدا خواهد داشت، در غیر این صورت فرزندان شما نجس می‌بودند، حال آن که اکنون از مقدسین هستند.» (۱-قرن ۷: ۱۴).

این واقعیت ناشی از جنبه مقدسی که به روابط جنسی نسبت می‌دادند نیست، بلکه علت اصلی آن در واقع عبارت از تعلق به قوم مقدس خدا و در نهایت حضور

ترشحات مردان در خواب آنان را نیز ناپاک می‌ساخت: «خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگوئید مردی که جریان از بدن خود دارد او به سبب جریانش نجس است و این است نجاستش بسبب جریان او، خواه جریانش از گوشتش روان باشد خواه جریانش از گوشتش بسته باشد این نجاست اوست. هر بستری که صاحب جریان بر آن بخوابد نجس است و هر چه بر آن نشیند نجس است و هر که بستر او را لمس نماید رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد و هر که بنشیند بر هر چه صاحب جریان بر آن نشسته بود رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد. و هر که بدن صاحب جریان را لمس نماید رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد و اگر صاحب جریان بر شخص طاهر آب دهن اندازد آن کس رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد و هر زینی که صاحب جریان بر آن سوار شود نجس باشد و هر که چیزی را که زیر او بوده باشد لمس نماید تا شام نجس باشد و هر که این چیزها را بردارد رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد و هر کسی را که صاحب جریان لمس نماید و دست خود را به آب نشسته باشد رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد. و ظروف سفالین که صاحب جریان آن را لمس نماید شکسته شود و هر ظرف چوبین به آب شسته شود و چون صاحب جریان از جریان خود طاهر شده باشد آنگاه هفت روز برای تطهیر خود بشمارد و رخت خود را بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد و طاهر باشد و در روز هشتم دو فاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد و به حضور خداوند به در خیمه اجتماع آمده آنها را به کاهن بدهد و کاهن آنها را بگذراند یکی برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی و کاهن برای وی به حضور خداوند جریانش را کفاره خواهد کرد و چون منی از کسی درآید تمامی بدن خود را به آب غسل دهد و تا شام نجس باشد و هر رخت و هر چرمی که منی بر آن باشد به آب شسته شود و تا شام نجس باشد» (لاو ۱۵: ۱-۷۱).

ج- امور جنسی و نیات باطن

۱- بسیاری از قوانین عهد قدیم مربوط به جنبه اخلاقی امور جنسی است، این قوانین نتیجه تمایل به محکومیت امور جنسی که ناشی از توجه اخلاقی بیش از حد به این زمینه خاص است می باشد، بلکه همانطوری که قبلاً هم گفته شد در نتیجه مقدس دانستن امور جنسی بوجود آمد. علاوه بر آن می توان در اینجا يك عكس العمل دفاعی در مقابل دنیای منحرفی که شهوات خود را غالباً در زیر ردای مذهب پنهان می نماید، دید. بالاخره نقش تربیتی شریعت که نگران بهداشت قوم خدا بوده است نباید نادیده گرفته شود. تهیه فهرست کامل این قوانین کاری بس خسته کننده می باشد، بنابراین فقط به ذکر موارد مندرج در لایوان ۲۰: ۱۰-۲۱ اکتفا می کنیم که زنای اشخاصی که ازدواج نکرده اند (ر.ك تث ۲۲: ۲۳-۲۹)، مقاربت با زنی در حین عادت ماهیانه وی، خیانت به همسر (ر.ك تث ۵: ۱۸ و ۲۲: ۲۲)، به همراه ذکر شهوت در (خروج ۲۰: ۱۷ و امث ۲: ۱۶، ۶: ۲۵، ۷: ۵۵-۵۷، بنسی ۹: ۹)، زنا با محارم (ر.ك تث ۲۳: ۱)، همجنس بازی (ر.ك پید ۱۸: ۲۰ و ۱۹: ۵) و مقاربت با حیوانات (ر.ك خروج ۲۲: ۱۸) را محکوم می نماید.

-زنا: «کسی که با زن دیگری زنا کند یعنی هر که با زن همسایه خود زنا نماید زانی و زانیه البته کشته شوند...» (لاو ۲۰: ۱۰-۲۱) و (تث ۲۲: ۲۳-۲۹)

-مقاربت در ایام عادت ماهیانه و خیانت به همسر: «زنا مکن» (تث ۵: ۱۸). و نیز «اگر مردی یافت شود که با زن شوهر داری همبستر شده باشد پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن کشته شوند...» (تث ۲۲: ۲۲).

-طمع ورزی: «به خانه همسایه خود طمع موز و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن.» (خروج ۲۰: ۱۷).

و نیز «در دلت مشتاق جمال وی مباش و از پلکهایش فریفته مشو» (امث ۶: ۲۵).

روح القدس می باشد. آن سفارشات پولس که بی شك بخشی است از تعالیم اولیه وی در مورد لزوم پاکی جنسی که خاص مسیحیان می باشد با این عطیه روح القدس ارتباط مستقیم دارد: «خواست خدا این است که شما پاک باشید و از روابط جنسی غیر مشروع بپرهیزید. همه شما باید بدانید چگونه بدن خود را همیشه تحت کنترل داشته باشید و آن را پاک و محترم نگه دارید و مانند ملت های خدا ناشناس دستخوش امیال و شهوات جسمانی نگردید.» (۱-تسا ۴: ۳-۵).

از این پس جسم توسط عطیه روح القدس مقدس و پاک می شود: «...بدن انسان برای شهوترانی نامشروع ساخته نشده است، بلکه برای خداوند است...» (۱-قرن ۶: ۱۳).

اکنون امور جنسی بصورت سمبل پیوند مسیح با کلیسا نسبت داده می شود: «ای شوهران، چنانکه مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد شما نیز زنان خود را دوست بدارید» (افس ۵: ۲۵)

پولس رسول فرمان خدا را بخاطر می آورد که گفته است: «...مرد... به زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو يك تن خواهند بود...» و این مطلب را به آن می افزاید: «يك حقیقت بزرگ در این امر نهفته شده است و بنظر من به مسیح و به کلیسای او اشاره می کند» (افس ۵: ۳۲).

از همین غاد برای بیان روابط محبت آمیزی که ایمانداران را با خدا متحد می سازد استفاده می شود. فاحشه بزرگ بر وحش سوار است (ر.ك مکا ۱۷). و در همین حال ایمانداران واقعی از بره پیروی می کنند زیرا آنان «باکره» اند.

«اینان مردمانی هستند که خود را با زنان نیالوده اند و از روابط زناشویی امتناع کرده اند و هر جا که بره می رود به دنبال او می روند. آنها برای خدا و بره به عنوان اولین نمونه از میان انسانها خریداری و آزاد گشته اند.» (مکا ۱۴: ۴).

بالاخره باید متذکر شد که صرفنظر از «فحشا مذهبی» هیچگونه ممنوعیت خاصی در مورد فحشا وجود نداشت: «چون یهودا وی را بدید وی را فاحشه پنداشت زیرا که روی خود را پوشیده بود. پس از راه بسوی او میل کرده گفت بیا تا بتو درآیم، زیرا ندانست که عروس او است. گفت مرا چه می دهی تا به من درآئی؟ گفت بزغاله ای از گله می فرستم. گفت آیا گرو می دهد تا بفرستی؟ گفت ترا چه گرو دهم؟ گفت مهر و زنار خود را و عصائی که در دست داری، پس بوی داد و بدو درآمد و از وی آبتن شد و برخاسته برفت و برقع را از خود برداشته رخت بیوگی پوشید. و یهودا بزغاله را بدست دوست عدلامی خود فرستاد تا گرو را از دست آن زن بگیرد اما او را نیافت، و از مردمان آن مکان پرسیده گفت آن فاحشه ای که سر راه عینایم نشسته بود کجاست. گفتند فاحشه ای در اینجا نبود. پس نزد یهودا برگشته گفت او را نیافتم و مردمان آن مکان نیز می گویند که فاحشه ای در آنجا نبود. یهودا گفت بگذار برای خود نگاه دارد مبادا رسوا شویم اینک بزغاله را فرستادم و تو او را نیافتی.» (پید۳۸: ۱۵-۲۳)

«شمشون به غزه رفت و در آنجا فاحشه ای دیده نزد او داخل شد.» (داور۱۶: ۱). در حالی که کتابهای حکمت که در مقایسه با متون مذهبی بسیار پیشرفته تر بودند خطرات فحشا را متذکر می شدند: «زن زانیه حفره عمیق است و زن بیگانه چون چاه تنگ» (امث۲۳: ۲۷).

و نیز «با زن فاحشه همنشینی مکن مبادا در دام وی گرفتار شوی. وقت خود را با زن آوازه خوان مگذران تا مبادا در تار حيله وی گرفتار آئی.» (بنسی۹: ۳-۴)

و نیز «شراب و زن مردان عاقل را منحرف می نمایند. کسی که وقت خود را با فاحشه ها می گذراند حیای خود را از دست می دهد.» (بنسی۱۹: ۲)

و نیز «هرگز با زن شوهردار همنشینی مکن و با وی به میخواری مپرداز مبادا که تسلیم دلربائی وی گردی و در اشتیاق خود در نابودی فرو افتی.» (بنسی۲: ۲).

-زنا با محارم: «هیچ کس زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف نسازد.» (تث۲۲: ۳۰).

-همجنس بازی: «خداوند گفت چون فریاد سدوم و عموره زیاد شده است و خطایای ایشان بسیار گران» (پید۱۸: ۲۰).

و نیز «به لوط ندا در داده گفتند آن دو مرد که امشب به نزد تو درآمدند کجا هستند آنها را نزد ما بیرون آور تا ایشان را بشناسیم.» (پید۱۹: ۵).

-مقایرت با حیوانات: «هر که با حیوانی مقاربت کند هر آینه کشته شود.» (خروج۲۲: ۱۸).

از طرف دیگر سرچشمه آن اوانیسمی که مورد محکومیت ما می باشد، از گناه اوانان نیست که نخواست برای برادرش که مرده بود فرزندی بدنیا آورد: «لیکن چون اوانان دانست که آن نسل از آن او نخواهد بود هنگامی که به زن برادر خود درآمد بر زمین انزال کرد تا نسلی برای برادر خود ندهد و این کار او در نظر خداوند ناپسند آمد پس او را نیز بمیراند.» (پید۳۸: ۹-۱۰). بغیر از آنچه گفته شد برای کاهنان نیز قوانین خاصی وجود داشت: آنها مجاز نبودند با زنان فاحشه یا مطلقه ازدواج نمایند: «زن زانیه یا بی عصمت را نکاح ننمایند و زن مطلقه از شوهرش را نگیرند زیرا که او برای خدای خود مقدس است... و او با زن باکره ای نکاح کند و بیوه و مطلقه، بی عصمت و زانیه اینها را نگیرد فقط باکره ای از قوم خود را به زنی بگیرد.» (لاوا۲۱: ۷ و ۱۳-۱۴).

کلاهبرداران در پادشاهی خدا هیچ بهره‌ای نخواهند داشت. « (۱-قرن ۹: ۱۰).

و نیز «به این جهت خدا ایشان را با شهوات و هوسهای خودشان در ناپاکی واگذاشت که با یکدیگر بدنهای خود را ننگین سازند. آنان حقیقت خدا را به دروغ تبدیل کردند و آفریده‌های خدا را به عوض خود آفریدگار پرستیدند -آفریدگاری که نا ابد شایسته ستایش است. لذا خدا آدمیان را تسلیم شهوات ننگین خودشان کرده است. حتی زنان روابط طبیعی جنسی را به آنچه غیر طبیعی است تبدیل کردند. بهمان طریق مردان روابط جنسی طبیعی را با زنان ترك نمودند و در آتش شهوت برای همجنسان خود سوختند. مردان مرتکب اعمال زشت و ننگین با مردان دیگر شدند و در وجود خودشان مجازاتی را که درخور چنین خلافتکاری است دیدند.» (روم ۱: ۲۴-۲۷).

پولس رسول بطور مداوم به مردم علیه فحشا اخطار می‌کرد: «باز هم ممکن است کسی بگوید: خوراک برای شکم و شکم برای خوراک است آری، اما سرانجام خداوند هر دو را نابود خواهد ساخت؛ بدن انسان برای شهوترانی نامشروع ساخته نشده است، بلکه برای خداوند است و خداوند برای بدن است و چنانکه خدا، عیسی خداوند را با قدرت خود پس از مرگ زنده گردانید، ما را نیز زنده خواهد گردانید. آیا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای بدن مسیح هستند؟ آیا شایسته است که عضوی از بدن مسیح را بردارم و آنرا با عضو بدن يك فاحشه بسازم؟ ابداً!» (۱-قرن ۶: ۱۳-۱۵)

و نیز «مرتکب گناهان جنسی نشویم چنانکه بعضی از آنها مرتکب شدند و در عرض يك روز بیست و سه هزار نفر از آنان مردند.» (۱-قرن ۱۰: ۸).

و نیز «و می‌ترسم این بار که بیایم خدای من بار دیگر آبروی مرا در حضور شما بریزد، یعنی من برای اشخاصی که گناه کرده‌اند و از ناپاکی و فساد اخلاقی و اعمال شهوانی خود توبه نکرده‌اند، اشک خواهم ریخت.» (۲-قرن ۱۲: ۲۱).

۲- عیسی در مورد قوانین آئینی فوق‌الذکر سخنی نمی‌گوید و وقتش را برای محکوم نمودن خطائی که انجام گرفته است مصروف نمی‌دارد، مثلاً او خطاب به زنی که در حین زنا گرفتار شده چنین می‌گوید: «...من هم تو را محکوم نمی‌کنم، برو و دیگر گناه مکن» (یو: ۸: ۱۱). و بار دیگر در مورد فاحشه‌ها که بعلت ایمانشان قبل از فریسیان به ملکوت خدا وارد خواهند شد چنین می‌گوید: «...بدانید که باجگیران و فاحشه‌ها قبل از شما به پادشاهی خدا وارد خواهند شد، زیرا یحیی آمد و راه صحیح زندگی را به شما نشان داد و شما سخنان او را باور نکردید ولی باجگیران و فاحشه‌ها باور کردند و شما حتی بعد از دیدن آن هم توبه نکردید و به او ایمان نیاوردید.» (مت ۲۱: ۳۱-۳۲).

و در رساله به عبرانیان چنین می‌یابیم: «ایمان باعث شد که راحاب فاحشه بر خلاف افراد سرکشی که کشته شدند جان سالم بدر برد، زیرا او از جاسوسان با صلح و سلامتی استقبال نمود.» (عبر ۱۱: ۳۱).

معذالك عیسی مستقیماً به گناهی اشاره می‌کند که ریشه تمام این خطاهاست، یعنی هوسها و نگاهها، و از این طریق به قوانین کتاب عهد قدیم جنبه اساسی تری می‌بخشد: «اما من به شما می‌گویم هرگاه مردی از روی شهوت به زنی نگاه کند در دل خود با او زنا کرده است.» (مت ۵: ۲۸).

و نیز «زیرا افکار پلید، قتل، زنا، فسق، دزدی، شهادت دروغ و افترا از دل سرچشمه می‌گیرند.» (مت ۱۵: ۱۹).

عیسی در میان یهودیان می‌زیست در حالی که پولس در محیط فاسد بندر بزرگ قرن‌تس زندگی می‌کرد و به همین دلیل است که در مقابل انواع شرّ، خود را در موضعی قوی و مستحکم قرار می‌دهد: «مگر نمی‌دانید که مردمان نادرست در پادشاهی خدا نصیبی نخواهند داشت؟ خود را فریب ندهید. افراد شهوتران، بت پرستان، زناکاران، لواط‌گران، دزدان، طمعکاران، مستان، ناسزاگویان و

و نیز «مقصود من این است: اگر تحت فرمان روح القدس بسر برید به هیچ وجه خواهشهای نفس را ارضا نخواهید کرد، زیرا تمایلات نفسانی بر خلاف روح القدس و آرزوهای روح القدس بر خلاف طبیعت نفسانی است و این دو مخالف یکدیگرند بطوریکه شما نمی‌توانید آنچه را در دلتان می‌خواهید انجام دهید. اما اگر روح خدا شما را هدایت کند شما در قید شریعت نیستید.» (غلا: ۵: ۱۶-۱۹).

به این ترتیب با آمدن مسیح و با تعالیم پولس رسول امور جنسی بتدریج از محدوده امور مقدس خارج گشت. این جنبش می‌تواند و باید ادامه یابد لیکن مشروط به اینکه ابعاد تقدس در زندگی حفظ شود، زیرا تقدس، جسم انسان را دگرگون نموده و آن را دائماً با دنیای الهی که از هر سو آن را احاطه می‌نماید، مرتبط می‌سازد.

«داوری ما در شامگاه زندگی

بر پایه محبت خواهد بود.»

(St. Jean de la Croix یوحنا چلیپای قدیس)

Le présent volume rassemble de façon quelque peu adaptée les études parues dans le "DICTIONNAIRE DE THEOLOGIE BIBLIQUE" du R.P. Xavier LEON-DUFOUR (Edition du Cerf, Paris 1970), aux termes "EPOUX", "FEMME", "MARIAGE", "VIRGINITE", "SEXUALITE" d'une part, et le texte de diverses Liturgies du Mariage ainsi qu'une explication d'icone.

و نیز «بنابر این تمایلات دنیوی یعنی زنا، ناپاکی، هوی و هوس، شهوت و طمع را (که يك نوع بت پرستی است) در خود نابود سازید. بسبب این اعمال است که افراد سرکش گرفتار غضب خدا می‌شوند.» (کول: ۳: ۵-۶).

پولس از آنجائی که مرد واقع بینی بود، معاشرت با مسیحیان فاسد را قدغن ساخت اما نه با سایر فاسدان غیر مسیحی، «در نامه‌ای بشما نوشتم که با اشخاص شهوتران معاشرت نکنید، ولی منظور من این نبود که با تمام اشخاص شهوتران این جهان یا طمعکاران و کلاهبرداران و یا بت پرستان کاری نداشته باشید، زیرا در این صورت مجبور می‌شوید این دنیا را ترك کنید.» (۱-قرن: ۵: ۹-۱۰).

دلیل شدت و جدیت این تعالیم چیست؟ پولس برای حفاظت مسیحیانی که یهودی‌الاصل نبودند، از انحرافات جسم، سنگر شریعت یهودیان را که قوانین آن حاوی جزئیات بسیاری است در اختیار نداشت. البته او واهمه نداشت که چنین بگوید: «ممکن است کسی بگوید: «در انجام هر کاری آزاد هستم» اما هر کاری مفید نیست آری، من در انجام هر کار آزادم، اما نمی‌گذارم که چیزی مرا بنده خود سازد.» (۱-قرن: ۶: ۱۲). او واهمه‌ای نداشت زیرا واقف بود که اصول اخلاقی از این یا آن قانون مکتوب، که همیشه وابسته به فرهنگ زمان خود است تابعیت نمی‌کند، بلکه اصول اخلاقی بیشتر به رابطه‌ای که از این پس میان مسیح خداوند و «جسم» برقرار می‌شود بستگی دارد. جسم معبد روح القدس و عضو مسیح است: «آیا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای بدن مسیح هستند؟ آیا شایسته است که عضوی از بدن مسیح را بردارم و آنرا عضو بدن يك فاحشه بسازم؟ ابداً! مگر نمی‌دانید مردی که با فاحشه بپیوندد جسماً با او یکی می‌شود زیرا کلام خدا می‌فرماید: «این دو يك تن واحد خواهند بود» (۱-قرن: ۶: ۱۵-۱۶).

و نیز «...دیگر در فکر ارضای خواهشهای نفسانی خود نباشید.» (روم: ۱۴: ۱۴).

فصل ششم

شمایل داماد



بر روی زمینه‌ای طلائی، تصویر مسیح مصلوب دیده می‌شود در حالیکه اثرات تاج خار و زخمهائی که دستها و پهلویش را سوراخ کرده‌اند بر خود دارد. بدن برهنه‌ای که طعم مرگ را چشیده است به هنگام برخاستن از تابوتی منقوش بوسیله مادرش حمایت می‌شود. در پشت سر صلیب قرار دارد. در حاشیه بالائی این کلمات نوشته شده است: مادر، آن هنگام که مرا در قبر می‌بینی، برای من گریه مکن.

بنظر می‌رسد این گونه شمایل نگاری در حدود قرن دوازدهم شروع شده باشد. از اواخر قرن سیزدهم به دفعات زیاد روی شمایلها، مینیاتورها، دیوار کلیساها و غالباً در محراب‌ها پیدا می‌شد.

شمایل داماد اغلب در دستهای پاراسیو قدیس قرار داشت، شهیدی که جمعه نیک را به صورت سمبولیک درآورد. اینجا در عوض، داماد با مادر مرتبط شده است: باکره رنج که پسر مرده‌اش را در میان بازوهایش گرفته و در راز صلیب شریک می‌شود انعکاسی است از یاکره مهربانی که بوسیله فرزند کوچکش در آغوش گرفته شده، فرزندی که رنج و مرگش را برای او روشن می‌نماید.

در دنیای بیزانتین، شکل و ترکیب داماد، مرد رنج و عذاب با مراسم و عبادتهای یکشنبه مقدس ارتباط نزدیکی داشت. در همان حال آن سمبلی از قربانی مسیح و پیروزی او بر مرگ است، شکل پادشاه جلال، داماد صبور و بخشنده، کسی که عروSSH را در خون خود شستشو داده است. هفته مقدس در مشرق زمین در واقع تحت الشعاع موضوع ازدواج خدا با انسانیت قرار گرفته است. تأیید سرود

زیر از همین مطرح می‌شود: «اینک داماد در نیمه شب می‌آید. خوشا بحال بنده‌ای که داماد او را بیدار می‌یابد. بدا بحال کسی که در آن هنگام در غفلت است.» شمایل داماد در میان افراد دست بدست می‌شود و همه به جلو می‌روند تا آن را ببینند.

داماد در تاریکی انسانیت می‌آید تا آن را بردارد و با نورش فدیة دهد. گناهکاری عمومی بشر (ای نجات دهنده من، حجله آراسته‌ات را می‌بینم. اما لباس مناسب حضورت ندارم. ای دهنده نور، لباس روح مرا درخشان کن و مرا نجات بده) بوسیله خون زندگانی بخشی که از قربانی صلیب جاری می‌شود باز خرید شده و حجله‌ای را که در آن ازدواج کلیسا به کمال رسیده آراسته است.

{ { }

آیین برکت ازدواج

مقدمه

برای درك بهتر این آیین که پر از اشارات به کتاب مقدس است باید یادآور شویم که پیغمبران قوم، عهد خداوند را با قوم برگزیده خود به ازدواج تشبیه می‌کردند. اصطلاح مکرر «دختر صهیون» تمام قومی را که با خدا عهد بسته و به وفاداری دعوت شده بود، مشخص می‌کرد. هم چنین در عهد جدید، عیسی داماد نامیده شد (یو ۲۹:۳؛ مر ۲:۱۹-۲۰) و کلیسا به عروس مسمی گردید (مکا ۷:۱۹-۹؛ ۲:۲۱، ۹؛ ۱۷:۲۲). عیسی با قربانی خود بر روی صلیب که بزرگ‌ترین نشانه محبت می‌باشد، عهد جدید را منعقد کرد، «کسی محبت بزرگ‌تر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد» (یو ۱۵:۱۳).

آیین ازدواج، این عهد سرشار از محبت خدا با قوم خویش را به ما یادآوری می‌کند و راز ازدواج نیز به زوج این قدرت روح القدس را می‌دهد که بتوانند توسط عمق محبت و وفاداری متقابل خود به این محبت عیسی برای کلیسا شهادت دهند.

تاجگذاری عروس و داماد به ایشان تذکر می‌دهد که هر يك باید بر احساسات و امیال خود تسلط داشته باشند، تا عشق ایشان موهبت متقابل در محبت باشد و نه نوعی از خودخواهی و یا لذت جویی و یا رقابت برای تسلط یافتن بر دیگری. «این فرمان من است که یکدیگر را محبت نمایید هم چنان که شما را محبت نمودم» (یو ۱۵:۱۲).

برای دوستانمان که امروز ازدواج می‌کنند دعا کنیم که روح القدس به هر دو فروتنی و از خود گذشتگی را بیاموزد تا بتوانند در این محبت مسیح بر روی صلیب سهیم شوند.

باشد که همه زوج‌های مسیحی با آگاهی به معنی ازدواج خودشان با تمام کلیسا به یکتا داماد ما بگویند:

«ماران ته»

روح و عروس می‌گویند: «بیا خداوند ما بیا». (مکا ۲۲:۱۷)

پرسش‌های کشیش از داماد و عروس

آقای آیا مایل هستید که خانم را طبق مراسم کلیسای مقدس کاتولیک به همسری خود بپذیرید، با علم به اینکه در این عهد هیچ نوع ابطال و طلاق وجود ندارد؟

خانم آیا مایل هستید که آقای را طبق مراسم کلیسای مقدس کاتولیک به عنوان همسر خود بپذیرید، با علم به اینکه در این عهد هیچ نوع ابطال و طلاق وجود ندارد؟

✠ کشیش می گوید:

خداوند بر این اقرار شما شاهد باشد، هم چنین فرشتگان مقدسش، انبیاء منزله‌اش، رسولان برگزیده‌اش و همین طور ما و تمامی کسانی که در اینجا حاضرند.

* همه: آن که محبت خواهد کرد خدا را خواهد شناخت، زیرا خدا محبت است.

✠ کشیش اضافه می کند:

خداوند بر شما احسان نموده و برکت عطا فرماید، همان طور که به اجداد ما، آدم و حوا، ابراهیم و سارا و اسحاق و ربقا برکت عطا فرمود. در بین شما محبت بیافریند و شما را در اتحادی کامل پیوند دهد.

* همه: آن که محبت خواهد کرد خدا را خواهد شناخت، زیرا خدا محبت است.

ابره‌ای برکات خود را بر شما بباراند و الطاف و رحمت بیکران خود را به شما تقدیم نماید. شما را بارور ساخته و پسران و دختران شما را فزونی دهد.

آیین برکت ازدواج

✠ کشیش: خدایا لب‌هایم را بگشا تا زبانم حمد تو را بسراید.

* همه: مبارک باد نام تو (سه بار)

ای خدای جهانیان

مبارک باد نام قدوس تو

در هر زمان و در هر مکان.

- خداوند شبان من است به هیچ احتیاج ندارم

به سوی آب‌های آرامش بخش مرا رهبری می کند

که جان مرا احیا کند

خداوند شبان من است.

مزمور ۲۳

«تو با من هستی»

۱- خداوند شبان من است، عصای تو راهنما، و تسلی بخش من است. محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.

۲- در مرتع‌های سبز مرا آسایش می دهد، همه در برابر چشمان دشمنانم،

مرا آسایش می دهد، برای من سفره‌ای مهیا می سازی؛

به کنار نهرهای آرام مرا رهنمون می سازد، سر مرا با روغن تدهین می کنی

۳- مرا زندگی دوباره می بخشد. و جام من لبریز می شود.

به افتخار نام خود، همه روزهای زندگی،

به راه راست هدایت می نماید فیض و نیکبختی همراهم خواهد بود

۴- اگر از دره تاریکی نیز گذر کنم، و تمامی ایام،

از هیچ گزند هراسان نخواهم شد، در خانه خداوند زندگی خواهم کرد.

زیرا تو در کنار من هستی.

✠سپاس:

خداوندا، همان طور که به عادلان اولیه، ابراهیم و سارا، اسحاق و ربکا برکت عطا فرمودی به عروس و داماد ما نیز برکت عطا فرما که با محبت و هماهنگی در هم ساکن شوند.

مسیح ای داماد آسمانی و نجات دهنده ما فیض خود را بر سر سجده کنندگانت فرود آور که ایشان فیض تو را در بگیرند و جلالت را اعلام نمایند و نام قدوس تو را ستایش کنند و بگویند:

*همه می ستایند:

خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاویدان بر ما رحمت فرما. (۲).

پدر و پسر و روح القدس

یکتا خدا را سپاس باد

امروز و فردا چون دیروز

تا ابدی روز کمال، آمین.

خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاویدان بر ما رحمت فرما.

✠دعا قبل از رساله پولس:

خدایا، ای مدبر حکیم، گنجینه بی انتها و بخشنده همه نیکی ها، ای که با رحمت بیکران خود توجه قابل تحسینی به اهل خانه خود می کنی به تو التماس می کنیم: به سوی ما برگرد و بر طبق عادت همیشگی ما را ببخش و بر ما رحم کن، ای سرور گیتی، پدر و پسر و روح القدس، آمین.

✠قرائت رساله پولس به افسسیان (۵:۲۱ الی ۵:۶)

همدیگر را در خدمت ترسی اطاعت کنید ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنان که

* همه: آن که محبت خواهد کرد خدا را خواهد شناخت، زیرا خدا محبت است.

با میانجیگری مریم باکره مادر خدا که منبع تمام نیکی ها و برکات است و با دعا‌های پدران، انبیاء، رسولان، شهدا، استادان و همه مقدسین و برگزیدگان آمین.

* همه: آن که محبت خواهد کرد خدا را خواهد شناخت، زیرا خدا محبت است.

(کشیش بر آن زوج صلیب ترسیم می نماید).

✠کشیش برای اجتماع دعا می کند:

خداوندا، جماعتی را که در حضورت گرد آمده اند برکت عطا فرما، باشد که همه به تو ایمان بیاورند. از تو پیروزی نموده و به کلامت گوش فرا دهند تا در روز قیامت و داوری برخاسته و در سمت راست تو بایستند و با رحمت بیکرانت چهره پاک و قدوست را نظاره کنند، آمین، آمین.

*همه می گویند:

ای پدر ما که در آسمانی،

خجسته باد نام تو،

برسد فرمانروایی تو، روان باد خواست تو،

روی زمین چنان که در آسمان است.

نان روزانه ما را امروز به ما ده،

بخش گناهان ما را،

چنان که ما نیز بخشیده ایم مدیونان خود را

و ما در بوتۀ آزمایش فرو میر،

بلکه ما را از بدی رهایی ده،

زیرا پادشاهی و جلال و نیرومندی از آن توست،

آمین.

✠برکت حلقه ازدواج:

*همه: آن که محبت کرد، خدا را خواهد شناخت، زیرا خداوند محبت است.

آواز: هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه

خداوندا، داماد ما خوشحال شود به یاری تو

و عروس شاد گردد با نجات تو

هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه.

✠قرائت انجیل مقدس عیسی مسیح برحسب متی (۱۹: ۳-۱۱):

پس فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند آیا جایز است مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد، او در جوابی ایشان گفت مگر نخوانده اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید و گفت از این جهت مرد پدر و مادر خود را رها کرده به زن خویش بپیوندد و هر دو یک تن خواهند شد بنابراین بعد از آن دو نیستند بلکه یک تن هستند پس آنچه را خدا پیوست انسان جاد نسازد.

به وی گفتند پس از بهر چه موسی امر فرمود که زن را طلاقنامه دهند و جدا کنند ایشان را گفت موسی به سبب سنگ دلی شما، شما را اجازت داد که زنان خود را طلاق دهید لیکن از ابتدا چنین نبود و به شما می گویم هر که زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی است و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کند، شاگردانش بدو گفتند اگر حکم شوهر با زن چنین باشد نکاح نکردن بهتر است.

✠موعظه:

خداوند را زیرا که شوهر سر زن است چنان که مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بدن است. لیکن هم چنان که کلیسا مطیع مسیح است هم چنین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند، ای شوهران زنان خود را محبت نمایید چنان که مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خوشتن را برای آن داد تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر ساخته تقدسی نماید. تا کلیسای مجید را به نزد خود حاضر سازد که لکه و چین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد بلکه تا مقدس و بی عیب باشد.

به همین طور باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید خوشتن را محبت می نماید زیرا هیچ کس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه آن را تربیت و نوازش می کند چنان که خداوند نیز کلیسا را زانرو که اعضای بدن وی می باشیم از جسم و از استخوان های او از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود، این سر عظیم است لیکن من درباره مسیح و کلیس سخن می گویم، خلاصه هر یکی از شما نیز زن خود را مثل نفس خود محبت بنماید و زن شوهر خود را باید احترام نمود. ای فرزندان والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید زیرا که این انصاف است در و مادر خود را احترام نما که این حکم اول با وعده است تا تو را عاقبت باشد و عمر دراز بر زمین کنی وای پدران فرزندان خود را به خشم میاورید بلکه ایشان را به تأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمایید ای غلامان آقایان بشری خود را چون مسیح با ترس و لرز با ساده دلی اطاعت کنید.

✠دعا:

فیض تو بر عروس ما برکت دهد، موهبت تو بر او بماند و صلح و آرامش مخصوص تو بر این دو فرزندت فرود آید و بر جمعیتی که در برکت ازدواج این دو محبوب ما شرکت کردند نیز قدرت و رحمت بخشد. ای سرور گیتی که با محبت بی کرات فرزندان خود را شادمان می گردانی، پدر و پسر و روح القدس،

*همه: آمین.

✠ کشیش: ای پدر قدوس، با فیض خود ما را آفریده‌ای و ما را دعوت کرده‌ای که صورت و شباهت تو را بپذیریم. با مهربانی خود گناهان این فرزندان را که با آب تعمید پاک شده‌اند ببخشای تا در محبت خود رشد کرده کامل گردند. تو را سپاس گفته و در راه خود به سوی ملکوت آسمانی از یکدیگر حمایت کنند باشد که روز آخر تاجگذاری شده به جلال یکتا پسرت همراه با همه عادلان با سرود و پایکوبی در حجله یکتا پسر محبوت وارد شوند.

☼ زوجین خم گردیده آواز می‌خوانند. خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان، بر ما رحمت فرما.

✠ کشیش: ای پدر قدوس، تو که همه عادلان پیشین، از آدم و حوا تا نوح، از ابراهیم و سارا تا زکریا و حنا را برکت دادی، هم چنین این جماعت کلیسایی و مخصوصاً این دو فرزند را برکت ده. بر این دو، در طول زندگی‌شان آرامش خاص تو را فراوان گردان و با رحمت خود تمام عمرشان را برکت ده تا به اراده تو وفادار بمانند، فرزندان متعددی به ایشان واگذار کن تا با پیروی از محبت تو آنان را در ایمان و خوشحالی فرزندان گسترش دهند. باشد که همیشه این زوج و این خانواده به تو جلال و افتخار سپاس و پرستش دهند، ای پدر قدوس از راه یکتا پسرت عیسی مسیح.

☼ زوجین خم گردیده آواز می‌خوانند: خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان بر ما رحمت فرما.

✠ کشیش: ای عیسی مسیح، خداوند ما و داماد آسمانی ما، تو بر صلیب، خون

تاجگذاری زوجین

شماس: برای خادم خدا، زوج ... تاجگذاری می‌شود.

✠ کشیش: (با علامت صلیب) به نام پدر و پسر و روح القدس، ای پدر قدوس، از راه این تاجگذاری که نشانه‌ای از پیروزی می‌باشد، فرزند خود را از هر گونه بردگی لذت‌جویی، خودخواهی و تکبر آزاد فرما تا در پاکی و وفاداری پیشرفت کند: و بتواند زوجه خود را محبت کند به مانند عیسی مسیح که کلیسای خود را محبت می‌کند؛ آنرا از طریق همان یکتا پسر تو و خداوند و داماد پادشاهی ما می‌طلبیم.

*همه: آمین.

شماس: برای خادم خدا، زوجه تاجگذاری می‌شود.

✠ کشیش: به نام پدر و پسر و روح القدس

ای پدر قدوس، از راه این تاجگذاری که نشانه‌ای از پیروزی می‌باشد، فرزند خود را از هر گونه بردگی لذت‌جویی، خودخواهی و تکبر آزاد فرما تا در پاکی و وفاداری پیشرفت کند؛ و بتواند زوج خود را محبت کند به مانند کلیسا که خداوند را اطاعت نموده و او را محبت می‌کند؛ آن را از طریق همان یکتا پسر تو و خداوند و داماد پادشاهی ما می‌طلبیم.

*همه: آمین.

✠ کشیش: با دستگذاری بر زوجین، آتش روح القدس، قوم عهد قدیم را به سوی سرزمین موعود رهبری کرده، هم چنین به سوی ملکوت و حجله عروسی آسمانی، این زوج را که با تاج جلال تعمید آراسته شده‌اند رهبری کند. باشد که همان آتش روح القدس، قلب ایشان را کاملاً پاک ساخته، پاکدامنی به ازدواجشان بدهد و از این راه در همکاری با مسیحیان وقف شده در بکارت، برای همه شاهدانی گویا شوند، از راه محبت بی حد خدای قدوس پدر و پسر و روح القدس.

*همه: خداوند روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

✠ کشیش: ای خداوند قادر مطلق، همراه با این زوج جدید، کلیسای مقدس تو را از میان آزمایش‌های سخت این دنیا، ولی با قدرت نان مقدس کلام و تن تقسیم شده پسر، به سوی شکوه ملکوت رهبری نما که در آن همراه با همه مقدسین جلال تو را خواهیم ستود، ای خداوند یکتا محبت کامل و ای تثلیث اقدس سرچشمه و سرمشق هر محبت واقعی، ای پدر قدوس همراه با یکتا پسر ناجی ما و روح مدافع ما تا ابدالابد.

*همه: آمین، آمین، آمین.

✠ برکات بر داماد

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد. ای داماد که با فروتنی و ملایمت در برابر کشیشان سر تعظیم فرود آوردی، خداوند سرافراز کند و تو را در این دنیا و آخرت شاد گرداند. برکت خداوند بر تو باد و من هم استغاثه می‌کنم تا برکات موعود در کتاب مقدس را بر تو فرو ریزد. خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

خود را به عنوان جهیزیه و هدیه عروسی به کلیسای خود عطا فرمودی تا با او عهد خود را صحه بگذاری. تو به انسان زخمی شده به واسطه عمل گناه، تولد نوینی در راز گذر خود عطا فرمودی و دوباره او را به صورت خود شکل دادی تا بتواند محبت نماید به ما رحمت فرما.

✠ زوجین: خداوندا درب رحمت را بر ما بگشا.

✠ کشیش: ای عیسی مسیح، خداوند ما و داماد آسمانی ما، تو در جشن عروسی قانای جلیل شرکت نمودی و به آب تطهیر برکت دادی تا به شراب خوبی که قلب انسان را شاد می‌سازد تبدیل شود. تو که تمام امت‌ها را دعوت کردی و بر سر سفره خود آنان را نشاندی تا در تو خوشحال شده و آرامش و آشتی و هماهنگی با تمام خلقت را باز یابند، بر ما رحمت فرما.

✠ زوجین: خداوندا درب رحمت را بر ما بگشا.

✠ کشیش: با دستگذاری بر زوجین، روح القدس بیاید و کاملاً آنان را که تاجگذاری شده‌اند تقدیس فرماید و بر این خانواده نوین بماند، همان طور که کلیسای مقدس را هر روزه رهبری کرده و آن را از هر گونه بی وفایی حمایت می‌فرماید. او که آن باکره، مریم مقدس را بارور ساخته تا یکتا پسرش را به دنیا دهد، هر گونه مرض روحانی یا جسمانی را شفا داده به این زوج بارداری و خوشبختی را بخشد و بستر زناشویی را بی‌عیب نگاه داشته به این زوج، قدرت شریک شدن در محبت پاک و وفادار دهد، همان طور که به شهیدان اقتدار شهادت دادن با خون خود، توسط صلیب عیسی، یکتا سرچشمه زندگانی و روح القدس می‌دهد.

*همه: خداوند روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

که داخل شود و هم چنین حجله‌ای را که طبق قانون مسیحی برای خودش معین کرده است. هدایتش کن تا با همسرش با محبت و آرامش در خانه خودشان زندگی کنند.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

باشد که پیوستگی با شوهرش آن خوشبختی را که در انتظار آن است به او بدهد و حسن شهرت و نیکنامی او در میان دوستانش فزونی یابد. دلش را شادی عطا کن و چراغ چشمانش را نورانی فرما.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

امراض بدنش را شفا ده و گناهان روحش را ببخشای.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

خداوندا از آن بالا بنگر و دخترت و شوهرش را برکت ده. تو که از دست راست پرورشش دادی با فیض خودت حفاظتش کن تا کاهنان ز ذریتش در آیند و خادمین از حصولاتش. آرامش را در خانه‌اش فرود آور و آرامش را در زندگی اش بیفزا.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

خدایا عروسمان را با تمامی این برکات توسط استغاثه مقدسینت برای تمامی روزهای زندگانش برکت ده تا تسبیح و سپاس گوید بر نام بزرگ و قدوست از اکنون تا ابدین روز کمال.

✠همه می گویند: آمین.

نه آفتاب در روز به تو گزندی رساند و نه تغییر نور ماه در شب تو را اذیت کند. مسیح، کردار تو را هدایت کند و تو را در همه حال حفاظت نماید. وقتی که از مال خود به فقرا می‌دهد و هم چنین زمانی که دسترنج خود را می‌گیری خداوند تو را دولتمند گرداند و به اراده تو برکت عطا فرماید.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

سایه صلیب منور در شب و روز تو را پاسداری و حراست کند تا خانه‌ات پیشرفت کند و همیشه در آن شاد باشید.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

تاج سرت و هم چنین تن پوش زیبای بدنت مبارک باشد. منزل و حجله‌ات و نیز وسایلت مبارک باشد تا از قدرت به قدرت و ز مجد به مجد رسی، از رتبه به مرتبت و از خوبی به نیکی روی، قبل از آنکه دست راست را دراز کنی دست خداوند تو را حفاظت نماید و هر کجا دست چپت را نهی همواره خداوند یاریش کند.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

خداوند، دعاهایمان را برای تو تقبل نماید و خواست‌هایمان را برای تو عطا فرماید. تا تو پدر پیشوایان شوی و کاهنان از بطن تو آیند و سه گانه اقدس تمامی این برکات را به تو دهد و خدای قدوس در تو جلال و شکوه یابد.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

✠همه می گویند: آمین.

✠برکات بر عروس

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

ای خداوند تو که عادلان اولیه را برکت عطا فرمودی، عروس ما را که تازه تاجگذاری کرده برکت عطا فرما.

خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا چهره نوینی به زمین بخشد.

با شکوه باطنی مزینش کن و با زیبایی ظاهری زینش ده. برکت ده خانه‌اش را

✠دعای اختتام

بر تو ای داماد تمجید شده و ای گل محبوبی که بر تاج داماد آسمانی نشانده شده‌ای و بر تو ای عروس پاک و مزین به زیبایی کلیسایی و بر شما ای ساقدویشان و شاهدان که در واقع به جای یحیی دوست داماد هستید و بر تمامی جماعتمان رحمت و برکات و الطاف خداوندمان افزون شود و فرو ریزد. اکنون و همیشه تا ابدالابد.

(و کشیش بر جماعت صلیب ترسیم نماید).

*و همه می‌گویند: آمین.

*همه می‌سرایند:

آن که محبت کرد خدا را خواهد شناخت
زیرا خداوند محبت است.

